

# الهیات مسیحی

## درس چهل و چهارم

### آخرت شناسی (۵)

### داوری ها

با سلام و درود فراوان خدمت شما دوستان گرامی، من کشیش جهانگیر خوشحالم که با پنجمین قسمت از مبحث آخرت شناسی، تحت عنوان داورى ها، از مجموعه برنامه های شناخت مسیحیت، در خدمتتون هستم.

حس عدالت طلبی، دادخواهی و وجدان انسان نشان می دهند که باید در مورد عادلان و شریبران داورى وجود داشته باشد، به همین جهت، انسان کنجاوانه در پاسخ پرسشهایی است، از قبیل:

آیا پس از مرگ انسان داورى خواهد شد؟

آیا روز خاصی برای داورى همگانی تعیین شده؟

در روز داورى چه اتفاقی خواهد افتاد؟ تکلیف انسان در روز داورى چیست؟

مذاهب مختلف به این گونه سوالات پاسخ های متفاوتی داده اند، که برخی از آنها بسیار افسانه ای هستند.

اما مطالعه امروز ما از کتاب مقدس، شرح مفصلی از حقایقی که در روز داورى رخ خواهد داد، به ما می دهد.

پس توجه شما رو به رؤس مطالب امروز جلب می کنم.

مطالعه ما در چهار بخش انجام خواهد شد که تحت این عناوین می باشند.

بخش اول - قطعی بودن داورى ها

بخش دوم - هدف داورى ها

بخش سوم - شخص داور

بخش چهارم - انواع داورى ها

در بخش چهارم یعنی انواع داورى ها به بررسی شش مورد خواهیم پرداخت که از این قرارند:

۱- داورى و پاداش مسیحیان

۲- داورى یهودیان

۳- داورى بابل، فاحشه بزرگ

۴- داوری وحش، نبی کاذب و لشگریان آنها

۵- داوری شیطان و فرشتگانش

۶- داوری نهایی گناهکاران که در این رابطه سه مورد رو بررسی خواهیم کرد، که از این قرارند:

(۱) اساس داوری گناهکاران

(۲) مدت زمان مجازات گناهکاران

(۳) بررسی و پاسخ به ایرادهایی بر مجازات ابدی

پس مطالعه مون از بخش اول تحت عنوان قطعی بودن داوری ها آغاز می کنیم.

## بخش اول - قطعی بودن داوری

همانگونه که در برنامه های قبل اشاره کردیم بازگشت مسیح به یک داوری عظیم نهایی، منتهی خواهد شد. این امر برای بسیاری از مردم هولناک ترین چشم انداز مربوط به آینده است. اگر چه خواست خدا این است که همه توبه کنند و از هلاکت جاودانی نجات یابند، اما کتاب مقدس می فرماید که، گروهی از مردم هرگز حاضر به تسلیم در برابر خدا نخواهند شد.

حزقیال ۳۳: ۱۰-۱۲ خداوند به من فرمود: «ای انسان خاکی (حزقیال نبی) به قوم اسرائیل بگو: شما می گوید: «گناهان ما برای ما یک بار سنگین است. بسبب گناه، ضعیف و ناتوان شده ایم، پس چطور می توانیم زنده بمانیم؟» به ایشان بگو خداوند می فرماید: «به حیات خود قسم، من از مردن شخص شرور خشنود نمی شوم، بلکه از این خشنود می شوم که شخص شرور از راههای بد خود بازگشت کند و زنده بماند. ای اسرائیل، بازگشت کنید! از راههای بد خود بازگشت کنید! چرا بمیرید؟» زیرا اگر مرد درستکار بطرف گناه برگردد، اعمال نیکش او را نجات نخواهد داد. اگر شخص شرور هم توبه کند و از گناهانش دست بکشد، گناهان گذشته او باعث هلاکتش نمی شود. (ترجمه تفسیری)

داوری عادلانه خدا بخاطر پیروی او از یک قانون نیست، بلکه جزئی از ذات الهی اش می باشد، به همین جهت انسان فرصت خواهد داشت که دلیل اعمال خود را بیان کند و علت محکوم شدنش را بداند.

نویسنده کتاب جامعه، در بیان نظر انسان طبیعی، جوانانی را که مطابق تمایلات خود زندگی می کنند، نصیحت می کند و به آنان هشدار می دهد که خدا برای تمام این کارها آنها را محاکمه خواهد کرد.

جامعه ۹:۱۱ ای جوان، روزهای جوانیت را با شادی بگذران و از آن لذت ببر و هر چه دلت می خواهد انجام بده، ولی به یاد داشته باش که برای هر کاری که انجام می دهی باید به خدا جواب دهی. (ترجمه تفسیری)

جامعه ۱۴:۱۲ خدا هر عمل را با هر کار مخفی خواه نیک و خواه بد باشد به محاکمه خواهد آورد. (ترجمه تفسیری)

پولس رسول می گوید که روز داوری بخشی از نقشه عظیم خداست.

رومیان ۱۶:۲ مسلماً آن روز خواهد آمد که عیسی مسیح به حکم خدا، افکار و انگیزه های مخفی همه را مورد داوری قرار دهد. همه اینها، بخشی از نقشه عظیم خداست که من اعلام می کنم. داشتن شریعت کافی نیست، باید مطابق آن زندگی کرد. (ترجمه تفسیری)

کتاب عبرانیان اعلام می دارد، کسانی که عمداً گناه می کنند باید انتظار مجازات وحشتناکی را داشته باشند.

عبرانیان ۲۷:۱۰ بلی، راهی نیست جز بسر بردن در انتظار مجازاتی وحشتناک، و نزول خشم و غضب الهی که دشمنان او (خدا) را نابود خواهد ساخت. (ترجمه تفسیری)

احساس باطنی و قلبی یا بعبارتی ندای وجدان، انسان را نسبت به داوری خدا هشدار می دهد و این مطلب توسط کتاب مقدس تایید می گردد.

بعنوان مثال: ابتدا به چند آیه از عهدعتیق اشاره می کنم

ابراهیم در پیدایش ۲۵:۱۸ خدا را داور تمام جهان می خواند.

حنا در اول سموئیل ۱۰:۲ می گوید: خداوند اقصای زمین را داوری خواهد نمود.

داود در اول تواریخ ۳۳:۱۶ می گوید که خداوند برای داوری جهان می آید. (همچنین مزمو ۱۳:۹۶ و ۹۸:۹)

سپس در مزمو ۶:۹ اضافه می کند که خداوند تخت خود را برای داوری بر پا داشته است.

در کتاب یوئیل ۱۲:۳ خدا می فرماید: امت ها بر انگیزخته شوند و به وادی یهوشافاط بر آیند زیرا که من در آنجا خواهم نشست تا بر همه امت هایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم (اشعیا ۴:۲).

در عهدجدید درباره این حقیقت که خدا همه را داوری خواهد کرد تاکید بیشتری به عمل آمده است.

عیسی در متی ۲۷:۱۶ فرمود: زیرا من با فرشتگان خود در شکوه و جلال پدرم خواهم آمد و هر کس را از روی اعمالش داوری خواهم کرد.

در آتن پولس در اعمال ۳۱:۱۷ اعلام داشت که خدا روزی را معین فرمود که جهان را با راستی و درستی به وسیله شخصی (عیسی مسیح) که برگزیده خود اوست داوری فرماید. (رومیان ۱۶:۲ دوم تسالونیکیان ۱:۷-۹).

به علاوه پولس رسول در دوم قرنتیان ۱۰:۵ اعلام می دارد: زیرا همه ما در مقابل تخت داوری مسیح خواهیم ایستاد و هر یک از ما نتیجه اعمالی را که در این زندگی انجام داده است، خواهد دید. (رومیان ۱۴:۱۰).

نویسنده رساله به عبرانیان ۲۷:۹ می گوید که به حکم خداوند، انسان یک بار می میرد و بعد از آن نوبت داوری می رسد.

یوحنا رسول در مکاشفه ۱۲:۲۰ می فرماید: و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند... و بر مردگان داوری شد.

خدا با برخیزاندن عیسی مسیح از مردگان، که آن داور حقیقی است، داوری نهایی را قطعی ساخت.

اعمال ۳۱:۱۷ زیرا (خدا) روزی را معین فرموده است که در آن مردم این دنیا را بوسیله شخص مورد نظر خود (عیسی مسیح) با عدل و انصاف داوری کند. خدا با زنده کردن این شخص از مردگان، وی را به ما شناسانیده است. (ترجمه تفسیری)

با این آیه مطالعه بخش اول یعنی قطعی بودن داوری ها رو خاتمه می دیم و به بررسی بخش دوم تحت عنوان هدف داوری ها می پردازیم.

## بخش دوم – هدف داوری ها

بعضی می پرسند که چرا خدا مردم را داوری می کند و هدف او از این داوری چیست؟ از کتاب مقدس در می یابیم که داوری ها انجام خواهند شد و هدف خدا از آنها این است که عدالت او به انجام برسد. بنابراین انسان باید خود را نسبت به خدا مسئول و جوابگو بداند.

اشعیا ۸:۶۱ خداوند می فرماید: «عدل و انصاف را دوست دارم و از غارت و ستم بیزارم. پاداش رنج و زحمت قوم خود را خواهم داد و با ایشان عهد جاودانی خواهم بست. (ترجمه تفسیری)

رومیان ۱۹:۳ ما می دانیم که روی سخن در شریعت با پیروان شریعت است تا هر دهانی بسته شود و تمام دنیا خود را نسبت به خدا مُلزم و مسئول بدانند. (ترجمه مزده)

علاوه بر این، فرهنگ لغت الهیاتی استرانگ در رابطه با هدف داوری نهایی چنین می گوید:

هدف داوری نهایی حصول اطمینان از نجات نیست، بلکه آشکار شدن عدالت خداست. عبارتی، از آنجائیکه خدا از شرایط اخلاقی تمام مخلوقات آگاه است، بتوسط داوری نهایی، عدالتش را آشکار می سازد.

از آنجائیکه داوری خدا عادلانه صورت می گیرد، در روز داوری هیچ کس دلیل قابل قبولی برای شکایت نخواهد داشت. با این گفته مطالعه بخش دوم یعنی هدف داوری ها را پشت سر می گذاریم و به بررسی بخش سوم تحت عنوان شخص داور می پردازیم.

## بخش سوم – شخص داور

کتاب مقدس بما می گوید که خدا داور و دادرس همگان است.

عبرانیان ۲۳:۱۲ شما به کلیسایی قدم گذاشته اید که نام اعضای آن ، در آسمان ثبت شده است . شما به حضور خدایی آمده اید که داور همه است. (ترجمه تفسیری)

علاوه بر این، از کلام خدا در می یابیم که خدا، داوری را توسط عیسی مسیح انجام خواهد داد. در این رابطه توجه شما رو به چند آیه جلب می کنم.

اعمال ۴۲:۱۰ و خدا ما را فرستاد تا این خبر خوش را به همه بدهیم و بگوییم که خدا عیسی را تعیین نموده تا داور زندگان و مردگان باشد. (ترجمه تفسیری)

دوم تیموتائوس ۴:۱-۲ در پیشگاه خدا و عیسی مسیح که روزی زندگان و مردگان را داوری خواهد فرمود، تو را مکلف می سازم که در هر موقعیت ، و در وقت و بی وقت ، کلام خدا را اعلام نمایی. (ترجمه تفسیری)

در دوم قرن‌تین ۱۰:۵ و رومیان ۱۰:۱۴ می خوانیم که خدا ایمانداران را نیز برای کارهایشان داوری خواهد فرمود. علاوه بر این، از کتاب مقدس می فهمیم که وحش، نبی کاذب، لشگریان آنها، شیطان و بی ایمانانی که مرده اند، توسط مسیح داوری خواهند شد.

داوری مردم توسط مسیح، اولاً به دلیل شایستگی منحصر بفرد اوست و ثانیاً بخاطر فروتنی اش می باشد.

فیلیپیان ۲:۹-۱۱ به همین جهت ، خدا او را بی نهایت سرافراز کرد و نامی به او بخشید که از هر نام دیگری والاتر است، تا به نام «عیسی»، هر آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است، به زانو درآید، و برای جلال خدای پدر، همه به زبان خود اعتراف کنند که عیسی مسیح، خداوند است. (ترجمه تفسیری)

مسیح بخاطر ذات الهی اش، مردم را با دید صحیح و اقتدار داوری می کند و بدلیل انسان شدنش قادر به ایجاد ارتباطی قابل درک و همدردی با مردم است. در مسیح عدالت و رحمت یکدیگر را ملاقات می کنند و او به عنوان داور تمام انسانها مجری عدالت الهی است.

اشعیا ۳:۱۱ تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود. او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می شود داوری نخواهد کرد؛ (ترجمه تفسیری)

با این آیه مطالعه بخش سوم یعنی شخص داور را خاتمه می دیم و به بررسی بخش چهارم تحت عنوان انواع داوری ها می پردازیم.

## بخش چهارم – انواع داوری ها

برای بررسی جامع موضوع داوری نهایی بهتر است از کارهایی که خدا در گذشته برایمان انجام داده است شروع کنیم. اولین کاری که خدا در گذشته در رابطه با داوری انجام داده این است که بخشش گناهان ما مسیحیان را بتوسط ایمان به عیسی مسیح مهیا ساخت. کلام خدا در عبرانیان ۱۰:۱۰-۱۴ چنین می فرماید:

عبرانیان ۱۰:۱۰-۱۴ طبق این روش و طرح جدید، مسیح یک بار جان خود را در راه ما فدا کرد تا ما را ببخشد و پاک نماید. مطابق شریعت و روش سابق ، گناهان هر روز در مقابل قربانگاه می ایستند و قربانی هایی تقدیم می کنند که هرگز نمی توانند گناهان را برطرف نمایند. اما مسیح خود را فقط یک بار بعنوان قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیمارزد؛ و پس از آن ، در بالاترین مکان عزت و افتخار، بدست راست خدا نشست ، ۱۳ و منتظر است تا دشمنانش به زیر پایهای او افکنده شوند. او با یک قربانی ، همه آنانی را که از گناهانشان پاک می شوند، تا ابد کامل می گرداند. (ترجمه تفسیری)

در اینصورت ایمانداران مسیح، از محکومیت و مجازات گناه که باید در داوری نهایی صورت گیرد معاف می باشند.

در نتیجه، در داوری نهایی، هیچ ایمانداری به عیسی مسیح برای گناه، داوری یا مجازات نخواهد شد.

رومیان ۸:۱ پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی به سر می برند هیچ محکومیتی وجود ندارد، (ترجمه تفسیری)

اما، در زمان حاضر برای مسیحیان داوری یا مجازات وجود دارد، که عبارت از مجازات گناهی که در زندگی آنها صورت می گیرد، است. بعنوان

مثال پولس به تیموتائوس که رهبر کلیسا بود، نصیحت می کند، که مسیحیانی را که در زندگی شخصی شان گناه وجود دارد، توبیخ کند.

اول تیموتائوس ۵:۲۰ آنانی را که در گناه پافشاری می کنند، در حضور همه توبیخ کن تا دیگران عبرت گیرند.  
(ترجمه مؤده)

خدا فرزندان نامطیع خود را در این زندگی تادیب می کند، تا به خود بیایند و گناه را از زندگی شان دور کنند. نمونه ای که در عهدعتیق در این رابطه می تویم بهش اشاره کنیم، دوم سموئیل ۱۲:۱۳-۱۴ در اینجا می خوانیم که داود نزد ناتان نبی به گناه خود اعتراف می کند. و به او می گوید «من در برابر خداوند گناه کرده ام.» ناتان نبی در پاسخ به اعتراف داود پاسخ داد:

دوم سموئیل ۱۲:۱۳-۱۴ «خداوند گناهت را بخشید و به خاطر گناهی که کردی، نمی میری. چون با این کار زشت خود باعث شده ای که دشمنان خداوند کفر بگویند، بنابراین فرزند تو می میرد.» (ترجمه مؤده)

کلام خدا، لااقل به شش مورد داوری بر اساس زمان، موضوع و افرادی که مورد داوری قرار می گیرند اشاره می کند که در اینجا بترتیب اشاراتی به آنها خواهیم داشت.  
اولین مورد، داوری و پاداش مسیحیان است.

## ۱- داوری و پاداش مسیحیان

همانطور که گفته شد، وقتی عیسی مسیح بازگشت کند، مسیحیان را برای کارهایشان داوری خواهد کرد. در این رابطه رومیان ۱۴:۱۰ می فرماید.

رومیان ۱۴:۱۰ همه ما (مسیحیان) پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد. (ترجمه مؤده)

بعبارتی، از همه مسیحیان خواسته خواهد شد که حساب استفاده از قنطارها و فرصت هایی که در اختیار داشتند را بدهند.

عیسی مسیح به این نکته در مثالهایی از قبیل حکایت قنطارها در متی ۲۵:۱۴-۳۰، حکایت پادشاه و ده غلام در لوقا ۱۹:۱۱-۱۷، و حکایت کارگران و مزد برابر در متی ۲۰:۱-۱۶ نقل کرده است.  
کلام خدا همچنین می گوید که در روز داوری کار هر کس مشخص خواهد شد.

اول قرنیتیان ۳:۱۲-۱۳ بعضی ها وقتی روی آن شالوده (عیسی مسیح) بنایی می سازند، طلا و نقره و سنگهای عالی بکار می برند و اشخاص دیگر از چوب و گیاه و کاه استفاده می کنند. ولی چگونگی کار هر کس آشکار خواهد شد، زیرا روز داوری آن را ظاهر خواهد ساخت. (ترجمه تفسیری)

بدیهی است که نتیجه کار آن دسته از مسیحیان که بد و نامرغوب باشد، سوخته خواهد شد ولی خود شخص نجات خواهد یافت، اما آن دسته از مسیحیانی که نتیجه کارشان خوب باشد، پاداش خواهند گرفت.

اول قرنیتیان ۳:۱۴-۱۵ اگر آنچه را که آدمی بر روی آن شالوده ساخته است از آتش سالم بیرون آید، آن شخص پاداش خود را خواهد یافت. اما اگر کارهای دست او سوخته شود، پاداش خود را از دست خواهد داد، ولی خود او نجات خواهد یافت. مانند کسی که از میان شعله های آتش گذشته و نجات یافته باشد. (ترجمه تفسیری)

در رابطه با پاداش ایمانداران کتاب مقدس به چند نوع تاج اشاره می کند:

تاج غیر فانی یا فساد ناپذیر (اول قرن‌تینان ۹:۲۵)

تاج عدالت (دوم تیموتائوس ۴:۸)

تاج حیات (یعقوب ۱:۱۲، مکاشفه ۲:۱۰)

تاج جلال (اول پطرس ۵:۴)

تاج سرود و شادی (اول تسالونیکیان ۲:۱۹ مقایسه شود با فیلیپیان ۴:۱).

دومین داوری، داوری یهودیان است.

## ۲- داوری یهودیان

در بسیاری از آیات کلام خدا ذکر شده که خدا قصد دارد در آینده قوم اسرائیل را مجازات کند. در کتاب عاموس دلیل مجازات یا داوری قوم بدین صورت ذکر شده است.

عاموس ۱:۳-۲ ای قوم اسرائیل، به کلام خداوند درباره شما گوش بدهید، او علیه تمام قومی که آنها را از مصر بیرون آورد می فرماید: «از بین تمام اقوام روی زمین، من تنها شما را انتخاب کرده ام. به همین دلیل شما را به خاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد. (ترجمه مؤده)

عیسی مسیح نیز به گناه قوم اسرائیل چنین اشاره می کند:

متی ۲۳:۲۳-۳۹ در حقیقت به شما می گویم گناه تمام این کارها به گردن این نسل خواهد بود. «ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای شهری که انبیا را به قتل رسانیدی و رسولانی را که به نزد تو فرستاده شدند سنگسار کردی! چه بسیار اوقاتی که آرزو کردم مانند مرغی که جوجه های خود را زیر پر و بال خود جمع می کند، فرزندان تو را به دور خود جمع کنم؛ اما تو نخواستی. اکنون خانه شما متروک به شما واگذار خواهد شد! و بدانید که دیگر هرگز مرا نخواهید دید تا روزی که بگویید: مبارک است کسی که به نام خدا می آید. (ترجمه مؤده)

در طول تاریخ، بارها شاهد تنبیهات قوم اسرائیل توسط خدا بوده ایم. از ویرانی معبد یهود گرفته تا کشتار میلونها نفر از آنها توسط دشمنانشان، اما با توجه به عهدی که خدا با ابراهیم بست، در نهایت، بقیتی از قوم یهود به عیسی مسیح ایمان خواهند آورد و نجات خواهند یافت. در این رابطه در کتاب ملاکی نبی ۳:۲-۵ چنین می خوانیم.

ملاکی ۳:۲-۵ اما کیست که یارای ایستادن در مقابل او را داشته باشد؟ و کیست که بتواند آمدنش را تحمل کند؟ زیرا او همچون آتش سوزانی است که فلز را تصفیه می کند و مثل صابونی است که کثیف ترین لباس ها را پاک می کند. او مانند کسی که فلز را تصفیه می کند کاهنان را همچون طلا و نقره پاک خواهد کرد تا آنها با دل پاک هدایا را به خداوند تقدیم کنند. آنگاه مثل گذشته، خداوند از هدایایی که مردم یهودا و اورشلیم برایش می آورند خشنود خواهد شد. خداوند قادر متعال می فرماید: «من برای داوری به میان شما خواهم آمد و بزد بدکاران شهادت خواهم داد یعنی بزد جادوگران، زناکاران و دروغگویان، بزد تمام کسانی که حق کارگران خود را نمی دهند، و کسانی که به بیوه زنان، یتیمان و غریبان ظلم می کنند و از من نمی ترسند. (ترجمه تفسیری)

سومین مورد داوری، داوری بابل، فاحشه بزرگ است.

### ۳- داوری بابل، فاحشه بزرگ

بابل، مرکز پرستش بتها در دنیا، سمبل شهری پر از گناه با امپراطوری ای فاسد بود. در دوم پادشاهان ۲۴ و دوم تواریخ ۳۶ می خوانیم که حکومت بابل، شهر اورشلیم را زیر و رو کرد، و مردم یهودا را به اسارت برد. درست همانطور که بابل در گذشته، بدترین دشمن یهودیان بشمار می آمد، امپراطوری روم نیز، بدترین دشمن مسیحیان اولیه بود. از آنجائیکه رسولان اجازه نداشتند که آشکارا بر علیه دولت روم مطلبی بنویسند، با هدایت روح القدس، گاهی در رسالاتشان، از نام بابل را بجای روم استفاده می کردند.

بعنوان مثال:

اول پطرس ۵:۱۳ خواهر برگزیده با شما که در بابل (شهر روم) است و پسر من مرقس به شما سلام می‌رساند.  
(ترجمه کلاسیک)

علاوه بر این، مکاشفه ۱۷ جزئیات بیشتری در مورد بابل تحت عنوان فاحشه بزرگ به ما می دهد. عبارت فاحشه بزرگ، به فریبندگی نظام حکومتی فاسد روم، که برای بدست آوردن لذت، سعادت و منفعت، از روشهای قبیحی استفاده می کرد، و در سالهای اولیه اش، خدایان متعدد داشت و خون شهیدان مسیحی از چنگال او می چکید، اشاره دارد.

کتاب مقدس درباره داوری خدا بر این شهر چنین می گوید:

مکاشفه ۱۸:۱۰ و ۲۱ از ترس، دور از او خواهند ایستاد و ناله‌کنان خواهند گفت: «افسوس که بابل، آن شهر بزرگ در یک چشم به هم زدن نابود شد ... و یک فرشته زورآور سنگی چون سنگ آسیای بزرگ گرفته، به دریا انداخت و گفت، چنین به یک صدمه، شهر بابل بزرگ منهدم خواهد گردید و دیگر هرگز یافت نخواهد شد.  
(ترجمه تفسیری)

چهارمین داوری ای که می خوام بهش اشاره کنم، مربوط به وحش (دجال) و نبی کاذب و لشگریان آنهاست.

### ۴- داوری وحش (دجال) و نبی کاذب و لشگریان آنها

دجال و نبی کاذب در مکاشفه ۱۳ تحت عناوین جانوری که از دریا و جانوری که از زمین بیرون می آیند معرفی شده اند. حضور اژدها، دجال و نبی کاذب یک تثلیث نامقدس ایجاد می کند. شیطان به دجال قدرت سیاسی و به نبی کاذب قدرت انجام معجزات می دهد تا با هم متحد شده، کنترل تمام دنیا را بدست گیرند و در نهایت خدا را سرنگون سازند.

کتاب مقدس در مورد داوری خدا بر دجال و نبی کاذب چنین می گوید:

مکاشفه ۱۹:۱۹-۲۱ آنگاه آن حیوان وحشی و پادشاهان زمین و لشگریان آنها را دیدم که جمع شده اند تا با اسب سوار و لشگریانش جنگ کنند. حیوان وحشی و نبی دروغین که در حضور او معجزات بسیار کرده بود، هر دو گرفتار شدند. نبی دروغین با معجزات خود کسانی را که علامت حیوان وحشی را بر خود داشتند و پیکره او را عبادت کرده بودند، فریفته بود. هردوی آنها زنده به داخل دریاچه آتش و شعله های گوگردی آن پرتاب شدند. لشگریان آنها با شمشیری که از دهان اسب سوار بیرون آمد، به قتل رسیدند.

پنجمین داوری مربوط به داوری شیطان و فرشتگانش است.

## ۵- داوری شیطان و فرشتگانش

کتاب مقدس روشن می سازد که نه تنها شیطان و فرشتگانش مجازات خواهند شد، بلکه آتش جاودانی برای آنها در نظر گرفته شده است. به چند آیه در این رابطه اشاره می کنیم.

بعنوان مثال:

متی ۴۱:۲۵ آنگاه به آنانی که در سمت چپ او هستند خواهد گفت: ای ملعونان، از من دور شوید و به آتش ابدی که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است بروید. (ترجمه مؤده)

یهودا ۶ خدا فرشتگانی را که زمانی پاک و مقدس بودند، ولی خود را به گناه آلوده ساختند، در تاریکی مطلق محبوس فرموده تا روز داوری فرا برسد. (ترجمه تفسیری)

مکاشفه ۹:۲۰-۱۰ آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته، ایشان (شیطان، دجال، نبی کاذب و تمام لشکریانش) را بلعید. و ابلیس که ایشان را همراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالآباد شبانه روز عذاب خواهند کشید.

ششمین داوری مربوط به داوری نهایی بی ایمانان است.

## ۶- داوری نهایی گناهکاران

آیات بی شماری در کتاب مقدس به داوری نهایی خدا تحت عناوین، روز جزا، روز عظیم مشهور خداوند، روز داوری و هلاکت، روز بازپسین و روز خداوند اشاره دارد.

بعنوان مثال:

دوم پطرس ۷:۳ اکنون نیز به فرمان خدا، آسمان و زمین باقی هستند تا در روز داوری با آتش نابود شوند، یعنی در همان روزی که بدکاران مجازات و هلاک خواهند شد. (ترجمه تفسیری)

اعمال ۲۰:۲ پیش از آن روز بزرگ و پرشکوه خداوند، خورشید تاریک شده، ماه به رنگ خون در خواهد آمد. (ترجمه تفسیری)

۱ تسالونیکیان ۲:۵ زیرا خود شما به تحقیق آگاهید که روز خداوند چون دزد در شب می آید.

دوم پطرس ۹:۲ پس خداوند می داند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا به روز جزا در عذاب نگاه دارد:

کلام خداوند به ما هشدار می دهد که آن روز بطور غافلگیر کننده ای خواهد آمد و برای بسیاری از مردم یکی از وحشتناک ترین وقایع آینده بشمار می آید.

پولس رسول در رابطه با داوری کسانیکه از پذیرش خدا و نقشه نجات او توسط عیسی مسیح سر باز می زنند چنین می گوید:

دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰ به شما که رنج و آزار می بینید، اعلام می دارم که وقتی عیسای خداوند به ناگاه در میان شعله های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید؛ اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات او توسط عیسی مسیح سر باز می زنند، به کیفر خواهد رسانید. ایشان به مجازات جاودانی خواهند رسید، و تا ابد از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند دید. بلی، این رویدادها در روز بازگشت او واقع خواهد شد. (ترجمه تفسیری)

### کلام خدا در رابطه با چگونگی داوری نهایی بی ایمانان چنین می فرماید:

مکاشفه ۱۱: ۲۰-۱۵-آنگاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند. سپس مرده ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر حیات رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته های این دفترها محاکمه شدند. بنابراین، دریا و زمین و قبرها، مرده هایی را که در خود داشتند، تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد. اینست مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. هر که نامش در دفتر حیات نبود، به دریاچه آتش افکنده شد. (ترجمه تفسیری)

اما برعکس گناهکاران، ما مسیحیان، مشتاقانه انتظار روز داوری را می کشیم، چون در آن روز است که عملاً آرامش جاودانه خواهیم یافت.

علاوه بر این باید اشاره کنم که هدف خدا از داوری نهایی، قطعی ساختن وضعیت انسانها نیست، چرا که خدا قطعی بودن آنها قبلاً در کلامش آشکار کرده. هدف خدا از داوری نهایی این است که وضعیت یا موقعیت انسانها را علنی کند. پس در روز داوری نهایی، تمام مردگان نجات نیافته زنده می شوند و در مقابل تخت بزرگ سفید حضور می یابند. این گروه شامل فقیر و غنی، غلام و آزاد، پادشاه و رعیت، با سواد و بی سواد و کارگر و کارفرما خواهد بود و همه محکوم خواهند شد.

در آخر لازم می دونم که به اساس، زمان و ایرادهایی که در رابطه با داوری نهایی گناهکاران شده، اشاراتی هم داشته باشم.

اولین مورد، اساس داوری نهایی گناه کاران است.

### (۱) اساس داوری نهایی گناه کاران

در مورد اساس این داوری می توان به دو مورد اشاره کرد:

۱- گناه کاران بر اساس آنچه در دفترهایی که نام آنان در آنها ثبت شده اند، داوری خواهند شد.

مکاشفه ۱۲: ۲۰ مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و دفترها را گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد که دفتر حیات است و بر مردگان داوری شد، بحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها مکتوب است. (ترجمه کلاسیک)

اما، در بخش دوم آیه می بینیم، علاوه بر این دفترها دفتر دیگری وجود دارد که دفتر حیات نام دارد، که در آن نام کسانی که وارث فیض خداوند می باشند، نوشته شده است.

لوقا ۱۰:۲۰ بیشتر شاد باشید که نامهای شما در آسمان مرقوم است. (ترجمه کلاسیک)

مکاشفه ۵:۳ هر که غالب آید، همانند اینان، به جامعه سفید آراسته خواهد شد و نامش را هرگز از دفتر حیات نخواهم زدود، بلکه آن را در حضور پدرم و فرشتگانش بر زبان خواهم آورد.

مکاشفه ۸:۱۳ همه مردم دنیا نیز او (دجال) را پرستش خواهند کرد. اما کسانی که نامشان از آغاز آفرینش، در دفتر حیات که متعلق به بره است، نوشته شده، او (دجال) را پرستش نخواهند نمود. (ترجمه تفسیری)

## ۲- دومین اساسی که خدا بر طبق آن گناهکاران را داوری خواهد کرد، اعمالشان می باشد.

رومیان ۵:۲-۱۱ اگر دل خودت را سخت کنی و توبه نکنی برای خود مجازات وحشتناکی فراهم می آوری، زیرا بزودی روز خشم و غضب خدا فرا می رسد روزی که در آن خدا تمام مردم جهان را عادلانه محکوم خواهد کرد، و به هرکس مطابق کارهایش پاداش یا کیفر خواهد داد. او زندگی جاوید را به کسانی می بخشد که با صبر و تحمل آنچه راست است به عمل می آورند و خواستار جلال و بزرگی و بقایی هستند که خدا عطا می کند. اما آنانی را که با حقیقت وجود خدا ضدیت می کنند و به راه های گناه آلود خود می روند، بشدت مجازات خواهد کرد. بلی، ایشان مورد خشم و غضب خدا واقع خواهند شد. رنج و عذاب گریبانگیر همه کسانی خواهد گردید که گناه می ورزند، از یهودی گرفته تا غیریهودی. اما جلال و سربلندی و آرامش الهی نصیب همه آنانی خواهد شد که از خدا اطاعت می کنند، چه یهودی و چه غیریهودی، زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود. (ترجمه تفسیری)

دومین مورد مدت زمان مجازات گناه کاران در داوری نهائی است.

## ۲) مدت زمان مجازات گناهکاران

در این رابطه، کلام خدا به صراحت مشخص نموده که مدت زمان مجازاتها در داوری نهایی، ابدی خواهد بود.

در این رابطه، مرقس ۹:۴۸ در نقل قولی از اشعیا ۶۶:۲۴، چنین اشاره می کند که،

مرقس ۹:۴۸ در جهنم کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نیابد.

این آیه به این معنی است که همیشه چیزی وجود خواهد داشت که خوراک کرم باشد و آتش را روشن نگاه دارد.

همچنین در مکاشفه ۱۱:۱۴ می خوانیم که دود عذاب کسانی که وحش را می پرستند تا ابدالابد بالا می رود.

نکته مهمی که در مورد "مدت زمان مجازات" وجود دارد، مفهوم واژه یونانی "یونیوس" که در فارسی به مفهوم جاوید، ابد، ازل ترجمه شده است.

در این رابطه باید توجه داشت که واژه "یونیوس" / αἰώνιος، " : حدود هفتاد بار در عهد جدید بعنوان صفت، در مورد خدا یا اعمال ابدی اش بکار گرفته شده است.

بعنوان مثال:

در رومیان ۲۶:۱۶ خدای سرمدی یا جاویدان

در عبرانیان ۱۴:۹ روح ازلی

در دوم تسالونیکیان ۱۶:۲ تسلی ابدی

و عبرانیان ۱۲:۹ نجات جاودان

در دوم تسالونیکیان ۹:۱، هلاکت جاودانی

از این مطلب نتیجه می گیریم که متی ۴۶:۲۵ با دو بار استفاده از این لغت، ابدی بودن مجازات شریران را در مقابل جاودانه بودن زندگی ایمانداران، به وضوح نشان می دهد.

متی ۴۶:۲۵ این اشخاص به کیفر ابدی می رسند، ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست. (ترجمه تفسیری)

در اینجا به بررسی چند مورد از ایرادهایی که بر مجازات ابدی گناهکاران، همراه با پاسخ کتاب مقدسی آنها، می پردازیم.

### ۳) ایرادهایی که بر مجازات ابدی گناهکاران وارد شده است

۱- اولین ایراد منتقدان بر مجازات ابدی گناهکاران، با اشاره به آیاتی از قبیل مزمور ۵:۹ و ۷:۹۲، دوم تسالونیکیان ۱:۸ و ۹ می باشد، که می گویند، شریران محو خواهند شد.

منتقدین با اشاره به این آیات می گویند که اگر شریران محو شوند، پس دیگر مجازات ابدی نمی تواند وجود داشته باشد.

در پاسخ به این ایراد باید گفت که "نابودی" یا "محو شدن" در این آیات به معنی "هیچ شدن" نیست، بلکه به بی خاصیتی و مفید نبودن آنها برای هدفی که آفریده شده اند اشاره می کند.

در این راستا می توان به مردم زمان نوح اشاره کرد، که با وجود اینکه هلاک شدند (لوقا ۱۷:۲۹) ولی باز هم در داوری نهایی حضور خواهند داشت (متی ۱۱:۲۴).

۲- دومین ایراد منتقدان بر مجازات ابدی گناهکاران، با اشاره بر آیاتی از قبیل مزمور ۲۰:۳۷، امثال ۱۰:۲۸، لوقا ۱۳:۱-۳ است که می گویند، شریران هلاک می شوند.

در پاسخ باید گفت که، هلاک شدن در این آیات، به مفهوم وجود نداشتن نیست. بطوریکه شاگردان در متی ۸:۲۵ فریاد زدند خداوندا ما را دریاب که هلاک می شویم، در صورتیکه مقصودشان از "هلاک شدن"، این نبود که دیگر وجود نخواهند داشت.

همچنین در یوحنا ۱۱:۵۰ قیافا می گوید: "تمامی طایفه هلاک نگردد"، در صورتیکه منظور او از هلاک نگردیدن طایفه، نابودی آنان نبود، بلکه اشاره او به اسارت در آمدن تمامی طایفه توسط رومیان بود.

پولس رسول نیز در دوم قرنتیان ۴:۱۶، واژه هلاکت را به معنی ضعیف شدن بدن، بکار می برد و می گوید: هر چند انسانیت ظاهری ما هلاک (فانی) میشود، لیکن باطن، روز به روز تازه می گردد.

۳- سومین ایراد منتقدان بر مجازات ابدی گناهکاران، در اشاره به ملاکی ۱:۴ می باشد که می فرماید: آن روزی که برای شریران می آید نه ریشه و نه شاخه برای ایشان باقی خواهد گذاشت.

در پاسخ باید توجه داشت که، این مطلب فقط مربوط به بدن آدمی است که از نظر جسمانی از بین خواهند رفت، ولی از نظر روحانی به وجود خود ادامه خواهد داد (مقایسه شود با امثال ۲:۲۲).

۴- چهارمین ایراد منتقدان بر مجازات ابدی گناهکاران، در اشاره به آیاتی مانند حزقیال ۴:۱۸، یوحنا ۲۱:۵، رومیان ۲۳:۶ است که می گویند، شریران در گناهان خود خواهند مرد.

در پاسخ باید توجه داشته باشیم که در این گونه آیات مرگ به مفهوم جدایی و نه نابودی می باشد.

بعنوان مثال میتوان به این آیات مراجعه کرد.

در لوقا ۱۶:۱۹-۳۱ به مرد ثروتمند و ایلعاذر

و در مکاشفه ۹:۶-۱۱ به روح هایی که زیر مذبح قرار دارند.

پس اگر موت اول به معنی از بین رفتن نیست می توانیم نتیجه بگیریم که موت ثانی هم مفهوم نابودی را نخواهد داشت. (مکاشفه ۲۰:۱۵ و ۸:۲۱ مقایسه شود با ۲۰:۱۹ و ۱۰:۲۰).

۵- پنجمین ایراد منتقدان بر مجازات ابدی گناهکاران، در اشاره به اعمال ۲۱:۳ می باشد که در آنجا بگونه ای به احیا یا رستگاری همه چیز اشاره دارد.

در پاسخ باید گفت که اشاره منتقدان از اعمال ۲۱:۳ نقل قول ناقصی از آیه می باشد، زیرا مفهوم این آیه کاملاً مشروط به قسمت بعدی آن می باشد که میفرماید: "خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیا مقدس خود از آن اخبار نمود."

از این مطلب می توان نتیجه گرفت که اعمال ۲۱:۳ نه به احیا یا رستگاری گناهکاران، بلکه به استقرار و احیای ملکوت خدا بر روی زمین اشاره دارد است.

۶- ششمین ایراد منتقدان بر مجازات ابدی گناهکاران، این است که چطور خدای محبت می تواند مخلوقاتش را تا ابد مجازات کند؟

در پاسخ به این ایراد، باید توجه داشت، همان قدر که خدا با محبت است، عادل نیز می باشد. خدای محبت در طول زندگانی افراد، به همه آنان فرصت ایمان آوردن را می بخشد. اما از آنجائیکه انسان پس از مرگ، جاودانه می شود، با داوری نهایی روبرو می گردد، که در آنصورت با عدالت خدا روبرو است.

علاوه بر این توضیح، سوالی که می توان در پاسخ به این ایراد مطرح نمود، این است که، خدای عادل چگونه می تواند از گناه گناهکاران چشم پوشی کند و آنها را بدون مجازات رها نماید؟

نکته دیگر اینکه، بدلیل محبت خدا، نیکوکاران از شر بدکاران برای همیشه رهایی میابند. اگر قرار می بود که شریران هم با نیکوکاران در یکجا باشند، دیگر بهشت مفهومش را از دست می داد.